



نحوه بکارگیری فلسفه‌ورزی در مشاوره (مشاوره فلسفی)/ درمان فلسفی یا فلسفه درمانی

ویتگنشتاین معتقد است فلسفه همه چیز را پیش روی ما قرار می دهد، نه چیزی را توضیح می دهد، نه چیزی را استنتاج می کند، چون آشکارا همه چیز در معرض دید است و چیزی برای توضیح نمی ماند. چنانکه ویتگنشتاین می گوید «فلسفه نبرد علیه افسون عقل ما به وسیله زبان است».

ویتگنشتاین معتقد است فلسفه همه چیز را پیش روی ما قرار می دهد، نه چیزی را توضیح می دهد، نه چیزی را استنتاج می کند، چون آشکارا همه چیز در معرض دید است و چیزی برای توضیح نمی ماند. چنانکه ویتگنشتاین می گوید «فلسفه نبرد علیه افسون عقل ما به وسیله زبان است».

به گزارش خبرگزاری مهر، باید گفت که یکی از مهمترین هدف ها در این رویکرد درمانی به چالش کشیدن مراجع است تا مسائل اصلی خود را یافته، بررسی نموده و راههای جدیدی را کشف و در نهایت از بین این راهها، راه مناسب خود را انتخاب کنند. این یک فرایند آزادانه و البته مسئولانه است که در آن مراجع با دقت نظر و با شکستن قالب های فکری که بدان ها خو گرفته است مسئله خود را موشکافانه کنکاش می کند این کنکاش ذهنی عمیق باید توسط خود مراجع صورت گیرد و مشاور فلسفی یا همان فیلسوف مشاور تسهیل‌گری است که در یافتن مسئله اصلی مراجع و راههای احتمالی مقابله با آن مراجع را یاری می کند. در این روند مراجع باید به بررسی انتخابهای ممکن برای داشتن یک زندگی با معنا بپردازند و از اینکه مانند یک قربانی مجبور به پذیرش باشد دوری گزیند و دست به انتخاب آگاهانه مسیر خود در زندگی بزند.

در این نوع درمان دیگر روش های حل مساله برای مقابله با شرایط دشوار به شکل سنتی ارائه نمی گردد. چرا که افراد مورد نظر در مشاوره فلسفی افرادی بیمار و ناتوان از حل مشکل نیستند، بلکه بسیاری از آنها از ایفای نقشهای معین یا به طریقی از نداشتن مهارتهای زندگی در عذاب هستند و به دنبال دریافت یاری و کمکاند، تا بتوانند راهی بیابند و بین آنچه توان تغییرش را دارند و آنچه را که نمی توانند تغییر دهند و باید بپذیرند تمایز قائل شوند .

افراد درمسیر دریافت درمان فلسفی به این آگاهی دست می یابند که دربرخورد با مسائل در دامنه محدودی از راه حلها اسیر نیستند و خود را ناگزیر و درمانده احساس نخواهند کرد، بلکه با انعطاف پذیری بیشتری می توانند به دنبال راه حل ها باشند و به شهامت و جسارت درونی دست پیدا می کنند تا بتوانند با تردید و دودلی های احتمالی خود در مسیر جستن و یافتن و انتخاب کردن فعالانه درگیر شوند، نه اینکه از این موضوع منفعلانه بهراسند.

به نظر می رسد بسیاری از مشکلاتی که مراجعان را در موقعیت های درخواست یاری از مشاور قرار می دهد جنبه ای ذهنی و روانی داشته و از تحلیل های نادرست آنها از شرایط به وجود می آید. در برخی موارد آشفتگی در بیان یا دریافت مطالب فرد را با مشکل مواجه می کند و در بسیاری از موارد این آشفتگی ذهنی ناشی از آشفتگی زبانی و یا به کارگیری نادرست زبان می باشد.

درمانهای روانشناختی و مشاوره ای از راهها و با تکنیکهای گوناگون و متفاوتی درصدد برطرف کردن مسائل مراجعان است که بنیانهای فکری و نظری بسیاری از آنها در رویکردهای فلسفی مشاور و نظریه های مشاوره نهفته است، از جمله شناخت درمانی، درمان عقلانی- عاطفی الیس، واقعیت درمانی، درمان وجودی و ...، اما به نظر می رسد مشاوره فلسفی بیشترین بهره را از فلسفه برده و اساسا بنیان کارش بر فلسفه و رویکردهای فلسفی می باشد.

شاید بی راه نباشد که در این میان به مباحث اشاره شده توسط ویتگنشتاین در باب درمان فلسفی اشاره داشته باشیم . چرا که به نظر می رسد؛ درمان فلسفی به گونه ای که ویتگنشتاین معتقد به آن است می تواند راهگشا باشد. به این طریق که اگر؛ فرد از این موضوع آگاهیابد که آنچه من دریافت کرده‌ام به دیگری منتقل کنم، ممکن است به درستی صورت نگرفته باشد، شروع به اصلاح آن نماید.

راهی که توسط ویتگنشتاین اول مطرح شده این است که؛ درصدد باشیم زبان را محدود کرده و در چارچوب خاصی مطالب و برداشتهای خود را مطرح کنیم که کمتر موجب سوء تفاهم شود، ولی سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که با توجه به ذهن و زندگی انسانها و تفاوتی که در بکارگیری اشکال نامحدود زبان وجود دارد آیا باید اساسا چنین چارچوبی را بپذیریم؟ ویتگنشتاین در پژوهشهای فلسفی مطرح می کند که فیلسوفان در کارشان ناشیانه عمل می کنند و اصطلاحات و عبارات را غلط تعبیر می کنند و به مضحک ترین نتایج می رسند . بنابراین در چنین شرایطی اگر فیلسوفان که مدعی تفکرند به چنین معضلی گرفتار هستند پس از مردم عادی کوچه و بازار چه انتظاری می توان داشت ؟ بنابراین راهکاری که ویتگنشتاین ارائه می دهد شاید مردمان عادی را نیز از گرفتاری، بد و غلط فهمی نجات دهد . اینکه افراد تبیین را کنار بگذارند و تنها به توصیف بپردازند تا دیگر، شنونده برداشت خود رداشته باشد .

ویتگنشتاین معتقد است فلسفه همه چیز را پیش روی ما قرار می دهد، نه چیزی را توضیح می دهد، نه چیزی را استنتاج می کند، چون آشکارا همه چیز در معرض دید است و چیزی برای توضیح نمی ماند. پریشان اندیشی ناشی از بدفهمی منطق زبان است. ویتگنشتاین عنوان می کند که فیلسوف درمانگر در پی علاج بیماریهای فهم انسان است و رفع کردن ابهامهای موجود در زبان. چنانکه او می گوید «فلسفه نبرد علیه افسون عقل ما به وسیله زبان است».

نشان دادن راه خروج از ابهامات و معضلات به وجود آمده به وسیله زبان، راهی برای درمان است. به نظر می رسد زبان مورد نظر او همان گفتگوهای است که به طور روزمره توسط افراد مورد استفاده قرار می گیرد، البته زبان بکار رفته توسط افراد گوناگون متفاوت است. زبانی که یک نوجوان با توجه به صورت زندگی اش به کار می برد متفاوت با زبان یک والد بزرگسال و حتی زبان یک کودک است. بنابراین راههای خروج نیز زیاد و درعین حال متفاوت می باشد. آیا باید درگیر موضوع زبان در بحث مشاوره فلسفی شویم؟ به نظر پاسخ مثبت است چرا که زبان و گفتگو محور و ابزار اصلی مشاوره فلسفی است مثل دارو و پزشک، هرچند پزشکان از شیوه های گوناگون برای درمان استفاده می کنند ولی دارو و دکتر از هم تفکیک ناپذیرند . چگونه فلسفه و آموزش فلسفه در مشاوره و مشاوره فلسفی بکار می آید. اگر ما به فردی که قرار است کار مشاوره ای انجام دهد مهارتهای فلسفه ورزی را یاد بدهیم او توانایی بهتری برای انجام این فعالیتهای خواهد داشت. بسیاری از مهارتهایی که یک مشاور نیاز دارد در واقع همان مهارتهایی هستند که یک فرد فلسفه ورز دارد. مثلا از مشاور انتظار می رود که شنونده خوبی باشد و در فلسفه ورزی این مهارت ارائه می شود ، دارای فکر منسجم و دقیقی باشد ، پرسشهای مناسبی از مراجع داشته باشد. بسیار از مواقع مشاوران در بی راهه ای قرار می گیرند که نمی دانند چه سؤالی باید طرح کنند و به طریقی فرایند مشاوره را دچار مشکل می کنند. اگر مشاور بداند که دقیقا چه سؤالی باید بپرسد، یعنی از انواع سؤال آگاه باشد، در مسیر ارائه راه برای مراجع موفقیت بیشتری را به دست خواهد آورد . مثلا در جایی باید سؤالی را از مراجع داشته باشد که او را وادارد در مورد خودش بیشتر توضیح دهد، یا اگر مشاور، درجایی به این نتیجه رسید که مسئله مراجع آنچه که می گوید نیست باید با سؤالی مناسب جهت مشاوره را تغییر دهد. گاهی لازم است مراجع با سوالاتی که مشاور از او می پرسد در بن بست قرار گیرد و پس اگر این ادعا از جانب ما پذیرفته شود لازم است در آموزش رشته مشاوره نیاز به فلسفه ورزی لحاظ شده و مورد توجه قرار گیرد که به نظر می رسد در وضع کنونی اینگونه نیست. چرا که در این رشته اگر درسی هم به عنوان فلسفه جزء واحدهای درسی این رشته ارائه می شود، صرفا به تئوریهای به شکل گذرا اشاره می شود. البته شکی نیست که در سطح اولیه این تئوریها لازمند ولی کافی نیستند. بنابراین ضروری است در این شکل تئوری ارائه شده به مواردی چند توجه شود؛ به عنوان مثال، آیا لازم است مشاوران توانایی های تحلیل زبانی پیدا کنند و در این زمینه آیا مناسب و به جاست که از فلسفه تحلیلی و تحلیل زبانی ویتگنشتاین آگاه شوند و بسیاری نکات دیگر که در جای خود باید طرح و بررسی شوند.